



یک هفته پره در مطبوعات اصفهان

اتوبوس! رو عشقمون خط می کشم

گروه رسانه: موضوعاتی که مطبوعات به آنها می پردازند کم نیستند و تنوع در اخبار و گزارش ها همواره رنگی ثابت در نشریات کشور به حساب می آید. مباحث مربوط به ورزش، دانش، جامعه، فرهنگ و ... آنگاه گوناگون هستند که مطبوعات به سمت آنها رفته و صفحات خود را با خبرهایی از این حوزه ها تزین نمایند. این درحالی است که طی چند هفته اخیر و در کنار همین موضوعات، این مباحث اقتصادی بود که به شکلی کاملاً برجسته و متداول در صفحات متعدد و به خصوص در صفحات نخست مطبوعات کشور و البته اصفهان نمود داشت.

در حالی که بازار طلا تاحدودی آرام شده است اما نشریات رسمی کشور، کوچک ترین نشانه ای از آرامش راه خود راه نداده اند تا لاملام اقتصادی موجود همچنان در تیرهای درخت مطبوعات به چشم آید.

هفته گذشته آنچه برای مطبوعات محلی اصفهان هم مهم بود همین حوزه به چشم خورد، آنچنانکه با بازارهای گویشت مرمغ، مرغ، لوازم خانگی و البته سکه و طلا، به یک در این نشریات مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

طلا، سخن اول

اصفحانی ها صبح روز یکشنبه خود را با این تیترو روزنامه اصفهان زینا آغاز کردند، سکه نخرید، ارزان تر می شود، این امبوداری در حالی به مردم داده می شد که آنها تا پیش از یکشنبه گذشته، گوردهای عجیب و غریبی را در بازار سکه و طلا شاهد بودند. چنانچه به همین همین روزنامه و روزهای اخیر قیمت ارز و سکه به گوردهای باورنکردنی رسیده بود و هر ساعت قیمت ها و شایعات جدیدی شنیده می شد. اما در صورت روزنامه نزدیک به شورای شهر و شهرداری اصفهان معتقد است به دلایل مختلف که از جمله به نوشته اصفهان زینا، مهمترین آنها افزایش سود سپرده های بانکی است. قیمت این کالای با ارزش پایین تر خواهد آمد. آنچه را اصفهان زینایی ها به آن اعتقاد دارند، به شکلی مورد تأیید روزنامه واینده رود هم هست، آنچنانکه اگر آن روزنامه نیمه دولتی، در ابتدای هفته، خبر از احتمال کاهش قیمت سکه و طلا، در این یکی روزنامه خصوصی در آخرین روز هفته به شکلی دیگر همان موضع را تکرار

خط شکنی ایران

مهران موسوی خوساروی، پنج شنبه هفته گذشته برای روزنامه ایران یک روز به خصوص بود. این روزنامه که هجده سال پیش پای به عرصه وجود گذاشته، هفته پیش به شماره پنج هزار رسید تا از این نظر رکورد جالبی را در بین مطبوعات جدید ایران بر جای گذارد.

روزنامه ایران، دومین روزنامه پس از همشهری بود که سطره قطع و رنگ را در عرصه روزنامه نگاری ایران شکست و در این مسیر به همراه همشهری تاریخ ساز شد. به این ترتیب به دنیا آمدن روزنامه ایران در سال ۷۲ چندان با شکستگی همراه نشد، اگرچه مانند تولد همشهری، ایران نیز صحنه از نیش و با کنایه ها نود تا سایه سنگین دولتی بودن و اتهام استفاده فراوان از رانت های دولتی همواره بالای سر این نشریه در گردش باشد.

ایران البته همچنان سیر این تیراژ و تأثیر گذاری همشهری دست پیدا نکرد اما در برخی زمینه ها همچون پرداختن به حوادث یا موضوعات تاریخی، در مفاصلی از دوران هجده ساله عمرش اثرگذار ظاهر شده. هر چند تغییر دولت ها، بر سبک کاری این روزنامه دولتی اثرات فراوانی گذاشته است.

الگو برای ارشاد اصفهان

هفته گذشته اعلام شد که آثار ارسال به جشنواره مطبوعات خلیج فارس برای داوران به تهران فرستاده شد. است. جشنواره مطبوعات خلیج فارس در حقیقت همان جشنواره مطبوعات محلی بندرعباس است که اسمال ابغادی ملی به خود گرفت و مطبوعات محلی کشور از همه استان ها به جز تهران (مطبوعات سراسری) حق شرکت در آن را پیدا کردند.

برگزاری جشنواره مطبوعات محلی خلیج فارس باید به عنوان الگو برای مدیریت جدید اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان درآید. سال گذشته جشنواره مطبوعات اصفهان، مثل شی شدن را با دعوت از سه چهار استان همجوار آغاز کرد، اما آنچه آن را تغییر بدیدرت در این اداره و نیز عدم اطلاع رسانی کادر جدید درباره سیاست های پیشان پهرامو بر برگزاری با عدم برگزاری جشنواره در سال آینده، فعلاً در ابهام است. سرپرست جدید ارشاد اصفهان باید هر چه سریع تر نظر و راهبردهای خود را در راستای برگزاری جشنواره مطبوعات اصفهان اعلام نماید. بی تردید اگر قرار باشد همچنان نسبت به برگزاری این جشنواره اقدام کرد، آنگاه آنچه را بندرعباسی ها بدان مبادرت نمودند، می تواند به عنوان بهترین الگو برای هر چه بهتر برگزار کردن و منمتر واقع شدن این جشنواره و روزنامه در نظر آید.

جایزه میوه و حرفه روزنامه نگاری

اعلام میزان بالای جایزه ای که برای نقرات برتر جشنواره کشور مطبوعات در نظر گرفته شده است، برای نخستین بار، در این جشنواره و از این لحاظ همتر از استقبال های معتبر داخلی قرار داد. بی گمان یک بعد هر مسابقه ای به ارزش مادی آن باز می گردد، به طوری که بسیاری معتقدند اعتبار رقابت را باید با جایز ریالی آن ارزیابی کرد. این البته درحالی است که باید توجه داشت اصولاً حرفه روزنامه نگاری را نمی توان با یکمی یا زیادی پول سنجید، بلکه آنچه معیار قسار را دیگر مشاغل جدا می کند، به نفس خود روزنامه نگاری و ارزش قلم بازمی گردد که با تمام پول های عالم هم قابل مقایسه نیست. اما در این میان یک واقعیت مسلم دیگر هم وجود دارد و آن، اینکه جمع گیری از ساکنان این سرزمین از طریق انتخاب همین حرفه است که گذران زندگی می کنند و طبیعی است که باید به فکر آنها نیز بود. شاید با لاف زدن میلیونی جایزه نقرات برتر جشنواره کشور مطبوعات را بتوان به عنوان گام نخست در به رسمیت شناختن شدن چیزی به نام شغلی روزنامه نگاری یاد کرد.

مشکل تیراژ پایین نیست

هفته پیش چندین اظهار نظر از جانب بعضی دست اندران مطبوعات کشور مطرح شد که آنها در این میان تیراژ نشریات گله مند نشان داد. اما واقعیت آن است که تیراژ مطبوعات در این سرزمین نه تنها کم نیست، بلکه زیاد هم هست. برای اثبات این نظر هم کافی است اواخر روز، سری به کیوسک های مطبوعاتی بزنید و ببینید که تعداد زیادی از روزنامه های همان روز در کنار مجلات متعدد نشسته و منتظر خریدار به سر می برند. غافل از آنکه کسی نیست تا نیم نگاهي هم به آنها بیندازد، اگر قرار بود بپذیریم که تیراژ مطبوعات کم است طبیعتاً نباید پس از چندین ساعت که از توزیع نشریات روز می گذشت، دیگر شاهد حتی یک شماره از آنها در همان روز بر روی پیشخوان عرضه نشریات مطبوعات اصفهان بودیم. در آنجا که تعدادی قلیقا برکنان این است.

موضوع اینجاست که مردم از همه روزنامه ها خرد نمی خوانند، اینک بخواهند بخردند اما نباشد. آنچه باید ریشه یابی شود نیز دلیل همین بی توجهی به نشریات متعددی است که روی کیوسک ها وجود دارد. به عنوان مثال اگر گفت که مطبوعات موجود در بازار رسانه مکتوب ایران قادر به پوشش دادن اکثر سلیب موجود در جامعه هستند اما با این حال باز هم کمتر کسی را می بینید که بخواهد پریش را صرف خریداری کاغذهای اطلاع رسانی نماید. پس باید به اصل قضیه که همین ناشناسی ناآشنایی نشریات است پرداخت. اگر نه انتشار صدها هزار شماره از یک روزنامه یا مجله و فرستادن بی فایده آنها به روی پیشخوان درگاه و سپس برکت همه آنها به دفتر اصلی، گری از آن مشکل تیراژ بازمی کند.

بترین های صفحه اول

تیتیر برگزیده هفته

برق سکه بازار اصفهان را گرفت

انتهاش شنید و بی سابقه ای که بازار سکه، طلا و ارز را برای چند روزی تحت تأثیر خود قرار داد، اگرچه موجب تکان هایی در اقتصاد ایران شد اما از آن سو، برای روزنامه نگاران سوژه ای جهت انتخاب تیرهای جذاب گردید. یکی از این تیرها تولید روزنامه واینده رود بود که آن را به عنوان تیتیر برگزیده هفته انتخاب کردیم. استفاده مناسب از کلمات و درک صحیح از اصطلاحات، باعث شد تا تیتیر این روزنامه به عنوان جزئی جذاب، از صفحات اول نشریات منتشر شده هفته پیش اصفهان مطرح شود.

برق سکه بازار اصفهان را گرفت

تیتیر تأثیر گذار هفته

زمین های کشاورزی استان در سفره زمین خواران

انواع بلاهایی که شاید تغییر کاربری یکی از معمولی ترین آنها باشد، همچنان بر سر زمین های کشاورزی نازل می شود، بدون آنکه به اهمیت این صنعت مهم و زندگی بخش بر اقتصاد کشور اهمیتی داده شود. آیا این مهم نیست که هفته نامه ای به اهمیت و ارزش گذاری جام اصفهان هم اوضاع دخل و تصرف در زمین های کشاورزی را تا به آنجا دیده که چنین تیتیر تکان دهنده ای را در صفحه اول خود برجسته کرده است؟

عکس برگزیده هفته

خبرنگاران اصفهانی به دنبال آگهی و پرتراژ آگهی و بازاریابی و این چیزها هستند و آب هم از آب تکان نخورده است. این البته درست است، اما به شما یادآوری می کنیم که اتفاقاً از قبل این رخداد نامیوم، آب از آب تکان نخورده است منتها کسی به آن توجهی نمی کند. وقتی وضعیت روزنامه نگاری در استان ما چندان پستامان نیست، طبیعی است که دلیل آن را باید در همین موضوع علت به ظاهر که اهمیت جستجو کرد. فعالیت خبرنگاری که به آگهی بگیری کرده و بازاریابی که فکر می کند می تواند کار خوبی هم بکنند، نتیجه ای را رقم نمی زند که شاهدش اوضاع و احوال امروز روزنامه نگاری در اصفهان است.

البته این وسط مسئولان محترم نشریات را هم باید در نظر آورده که سعی می کنند برای رتق و فتق امورشان و کمتر هزینه کردن در وادی نشریه داری، کسانی را به کار نگارند که هم توانایی برگردن نیم تاتی بالای صفحات را داشته باشند و هم قدرت بستن نیم تاتی پایین را داشته اند. آن بالا به بالاشینی می ماند و نه این پایین به برگردن جیب می آرد.

کرد با این تفاوت که آن را مشروط به نظر بلند پایگان اقتصادی نمود: ... در چنین اوضاع بی ثباتی کارشناسان از روند نزولی قیمت طلا در روزهای آینده خبر می دهند. اما همه چیز در این شرایط به بانک مرکزی و بانک کارگشایی بستگی دارد. اگر اقدام به عرضه سکه با قیمت های پایین غیر واقعی نشود، نرخ جیب اوج می گیرد و این پدیده است که ادامه دارد.

حباب: شاید شما این کلمه را از اوایل بهمن ماه تاکنون، بیشتر از همیشه شنیده باشید. قیمت های حبابی، سکه های حبابی، طلاهای حبابی و ... تنها گوشه ای هم موار است. اما این اصطلاح نا ظهور است که فعلاً کاربرد آن برای بازی سکه و طلا، داغ است. در همین راستا هفته نامه اصفهان سکه ای جاب اصفهان هم که در شماره سه شنبه گذشته خود به نوسانات اخیر نرخ دلار آمریکا در بازار اشرار کرد، ضمن آنکه درباره پدیده نظام آمریکا را در این ماجرا می دید، در عین حال از بحث حباب هم

قحطی!

کسی زن نمی گیرد، گرانی در بازار برای بسیاری از اقشار مشکل مخصوصاً جوانانی که قصد ازدواج دارند، بسیار شکار آفرین شده است. لطفاً مسئولان این تورم را هر چه زودتر بر طرف سازند و طلا را به قیمت مناسب آن برسانند. فقط فکر کنید قحطی زن گرفتن هم بیاید، یکی می خواهد چکار کند؟ نمی ترسید! واقعاً اگر تکان هم درازید، جیمسه شاد بپوشید و از بازار مدام توستو بگردانید تا مردم ملل دیگر بپایند و نگاهشان کنند!

اما اگر سنگ هم باشد، با خواندن این یکی نیز زاینده رود، زهره راه تمام آب می شود. افزایش گریه اوبوس در اصفهان حدموزن نامی ترسید! البته مشاهده و که قحطی توستو سوزی هم بپایید، آن که نمی توبیم بگیریم، گوشه هم که در سکو تگران می شود، سابه قحطی هم که بالای سرامان است، اوبوس سواری را هم که بی خیال، واقعاً در ما چه فکری کرده ای؟ اینکه آدم هستیمنتی بگردانیم و همین می نامی نشود. مثلاً وقتی نسل فراد را می خوبیم که نوشته: گریه تاکسی بر چه زمی گران می شود؟

زهی خیال باشد، دوباره تمنای می لرزد و موهامیان سیخ

استخدام خبرنگار

استخدام خبرنگار در دفتر سرپرستی ... صرفاً با روابط عمومی بالا

اگر این فرض در رابطه با یک استخدام فوق صحت داشته باشد، آنگاه باید هم به حال بازاریابی گریست که قرار است کار خبری تیرنگ و هم به حال خبرنگاری که خواهد به هدف به دست آوردن چند ریال ناقل، به سمت و سوی بازاریابی کشیده شود. البته اشتهاء نشود، اینجا منظور خبر ستوال بردن حرفه مهمی به نام بازاریابی نیست، بلکه صحبت بر سر این است که جمع این حرفه با شغل دیگری به نام خبرنگاری میسر نیست، آنچنانکه شغل اصداد را نمی توان تصور کرد. آیا تاکنون دیده آید آب و آتش یکجا گردند؟ آب با آتش و به طریق اولی، اگر این دو در کنار هم قرار نمی گیرند و به هم می آمیزند، خبرنگاری و بازاریابی هم نمی توانند در هم ادغام شوند. باید می پرسید که این تمام این حرف ها، امروز بعضی

می شود و پیش خردمان می گویم کندک وقت قحطی تاکسی سواری هم به همه قحطی های دیگر ارضاه شود؟ البته خیلی لذمان می خواهد که بشارت معاون استانداران را توئی خود مزومه کنیم اما تا می آیم به این کار مشغول می شویم، دوباره یاد حرف های آن پیر اقتصادی بیاختن نشین می افتیم و دیدن مطالب مطبوعات استانمان هم مزید بر علت می شود تا می کلمه قحطی را پیش خردمان بخش کنیم!

واقعاً اگر جای ما بودید این یکی پیام خواننده میزمان را در این هفته نامه مطالعه می کردید، از زندگی سیر نمی نمود، به قحطی فکر نمی کردید؟ نگویید که باور نمی کنیم.

گرانی به سمبوسه و فلافل هم رسیده. مفارز محل، ۲۰ درصد افزایش قیمت داشته است. چرا مسئولین اتحادیه میوه های گریه تگرانی نیست؟ بگویید رسیدگی کنند. خیابان قحطی تاکسی سواری و اوبوس سواری را تحمل می کنیم، زن هم نمی گیریم و به قحطی ازدواج راضی هستیم، گوشه هم نمی خوریم و اصلاً قحطی اثر را از تو خاستار می چون نمی گیرند سر طراژ است، ولی دیگر مشکل این آخری خیلی سخت است؛ پس خدایا! ما را از قحطی سمبوسه بدون بار آیین

به اینکه فکر کنید ما خوشمان می آید درباره قحطی حرف بزنیم! اصلاً باید آنجا که کنیم که وقتی می شنویم یک آدم مطلع اقتصادی در بیاضت گفت قحطی در راه است و از آن طرف هم می بینیم این چند میلیون ۸۵ هزار و ۸۴۹۳۳۳ که ایران زمین می نوسد. اما چرا جدید جمعیتی استان اصفهان است، هر روز با چیزی به نام گرانی که البته مسئولین می گویند وجود خارجی ندارد دست و پنجه نرم می کنند، آن وقت قحطمان اوتوماتیک وار به سمت و سوی قحطی می رود!

البته معاون استاندار اصفهان کسی خیالمان را راحت کرده چرا که به اصفهان امروز گفته شایه قحطی یک شوه قحطی است ولی خب با این تیرهای مطبوعات محلی چه کنیم که ترس از قحطی را مثل خوره به جانمان می اندازد؟

شما را بخند، وقتی مثلاً تیر زاینده رود را می خوبید که نوشته افزایش ۲۸ درصدی قیمت گوشت در سکو ت چه فکری می کنید؟ نشان نمی لرزد که از این طرف قیمت گوشت پوراندگی و در سکو ت این قدر بالا برود و از طرف هم شایه قحطی همه جا را بگیرد؟ خب شما چه برداشتی از اوضاع می کنید؟ یا مثلاً نسل فراد از قول یک خواننده اش نوشته که چون طلا گران شده، در تیتیر دیگر

کنه

استخدام خبرنگار در دفتر سرپرستی ... صرفاً با روابط عمومی بالا

دینظر اول انتشار این آگهی در چند شماره از ضمیمه ای که توسط یکی از دفاتر سرپرستی مطبوعاتی در اصفهان چاپ شده، واجد نکته مهمی نیست و همه چیز عادی به نظر می رسد، اما با اندکی تأمل در این متن چند کلمه ای، باید به موضوعی اشاره کرد که می توان صفحات فراوانی را به آن اختصاص داد.

به راستی چرا باید برای استخدام خبرنگار به ویژگی داشتن روابط عمومی بالا برای او تأکید کرد؟ همه می دانند که خبرنگار، اگر به نفس باید از روابط عمومی خوبی برخوردار باشد، به طوری که این صفت را جزء جدایی ناپذیر حرفه خبرنگاری می پندارند و اگر کسی فاقد با دیگران را می باید که بخواهد برقرار پرسش را صرف خریداری کاغذهای اطلاع رسانی نماید، پس باید به اصل قضیه که همین ناشناسی ناآشنایی نشریات است پرداخت. اگر نه انتشار صدها هزار شماره از یک روزنامه یا مجله و فرستادن بی فایده آنها به روی پیشخوان درگاه و سپس برکت همه آنها به دفتر اصلی، گری از آن مشکل تیراژ بازمی کند.